

# فتوای متفقه علمای کشور در رابطه با وضعیت موجود افغانستان

دوشنبه - ۱۴ جوزا، ۱۳۹۷ هـ ش

تالار لویه جرگه

کابل-افغانستان

**Ketabton.com**

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# فتوای متفقه علمای کشور در رابطه با وضعیت موجود افغانستان

الحمد لله و الصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين و على آله و اصحابه اجمعين  
قال الله تبارك و تعالى: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا ۖ فَإِنْ  
بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ فَاءَتْ  
فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٩﴾ (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ  
إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾)

(سورة الحجرات آيات ٩-١٠)

ترجمه: و اگر دو گروه از مؤمنان با هم جنگ کنند، میانشان آشتی دهید. پس اگر یکی از  
آن دو بر دیگری ستم و تجاوز کند، با آن [گروه] که ستم و تجاوز میکند بجنگید تا به  
فرمان الله بازگردد. پس از بازگشت میانشان به عدل و انصاف آشتی دهید، و انصاف  
کنید، که الله انصاف کننده گان را دوست میدارد.

همانا مؤمنان برادران [یکدیگر] اند، پس میان دو برادر خود آشتی کنید، و از الله بترسید  
باشد که در خور رحمت گردید.

مقدمه:

افغانستان از چندین دهه در آتش جنگ میسوزد، بدبختانه قربانیان این جنگ صرف افغانها هستند، بالخصوص در ۱۶ سال اخیر جنگ در افغانستان به حالت خونبار خود رسیده است. به هیچ نوع ارزشهای دینی و معیارهای ملی احترام نمیشود، این جنگ تحمیلی از سوی بیگانه گان صبر مردم را به پایان رسانده، هر روز از هر دو جانب به ده ها طفل، جوان و محاسن سفید درین جنگها کشته میشوند، مادران بی فرزند، و فرزندان یتیم میگردند و به صدها جوان به ترک کشور مجبور میشوند.

قربانیان جنگ جاری در افغانستان مردم ملکی و انسانهای بیگناه اند. درآن از وسایلی مانند انتحار، انفجار، بمب های سنگین و اعمال نادرست و غیر شرعی استفاده میشود که به هیچ وجه توجیه شده نمیتواند. با در نظرداشت همین وضعیت وخیم، ما علماء جنگ جاری در افغانستان را عمل ناروا شمرده و تاکید مینمائیم که این جنگ هیچ نوع صبغه دینی و شرعی ندارد. همین جنگ است که زمینه را به مداخلات بیرونی مساعد ساخته و باعث بدنامی اسلام و افغانها گردیده است.

با توجه به وضعیت نادرست فوق ما علماء، خطباء، نمایندگان نهادهای دینی و اجتماعی و شخصیت های روحانی مسئولیت و رسالت دینی ایکه به اساس ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (سورة النحل آیت ۴۳ او سورة الأنبياء آیت ۲۱) متوجه ماست در مورد بحران جنگ در افغانستان موقف خویش را توضیح مینمائیم.

### شناخت و معرفی مختصر افغانستان

اسلام به این خطه در سال ۳۲ هجری یعنی زمان حضرت عثمان ذی النورین رضی الله تعالی عنه رسیده است. این کشور حتی الآن نه تنها به این دین قائم و ثابت بوده بلکه درین راه کارنامه ها بزرگی را انجام داده و قربانی های بی شماری را تقدیم نموده است. در نشر و پخش اسلام و همچنان تأسیس مراکز علمی نقش مهمی را ایفاء نموده است. و

درمجال های تفسیر، احادیث، فقه، تصوف و عرصه های دیگر ستاره های درخشان بیشماری را تقدیم امت مسلمه نموده است.

نه تنها مردم و ملت آن بلکه حاکمان این سرزمین برای پخش و نشر اسلام گامهای بسیار بزرگ را برداشته اند. دور غزنویها، غوریها، سوری ها، هوتکی ها و ابدالی ها از ادوار زرین تاریخ این کشور بوده که الله سبحانه و تعالی بوسیله آنها اسلام را در آسیا پخش و پیام وحدانیت را به ملیونها انسان رسانیده است.

مراکز علمی این سرزمین - بلخ، بُست، هرات، فاریاب، سجستان (زرنج یا نیمروز امروزی) و غزنه یادگارهای تاریخی قرون طلایی اسلام اند.

این هم در تاریخ اسلام بسیار آشکار و واضح است که انتقال و روایت بخش بزرگ این دین که عبارت از احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و سلم توسط صدها بُستی، هروی، بلخی و فاریابی نمونه های بزرگ خدمت به اسلام و مسلمانان را تشکیل میدهد. موجودیت مؤسس مذهب حنفی امام ابو حنیفه رحمه الله، استاذ ائمه شش گانه حدیث امام قتیبة بن سعید بغلانی رحمه الله، علامه خطابی بُستی، یوسف فاریابی، خواجه عبد الله انصاری، مولانا جلال الدین بلخی، مولانا عبد الرحمن جامی، سنایی غزنوی رحمة الله تعالی علیهم و عالم تجددگرا و پیشتاز بیداری اسلامی قرن نوزدهم علامه سید جمال الدین افغان نمونه های بارز عظمت اسلامی و افتخارات تاریخی این کشور است.

در طول تاریخ قوانین مدون و غیر مدون این کشور بر اساس دین استوار و از اصول شرعی سرچشمه گرفته است. به طور اخص قانون اساسی سال ۱۳۸۲ هجری شمسی که بطور کامل بر اصول و معیارات اسلامی استوار بوده و حق جواز برای هیچ قانونی خلاف اسلام را نمیدهد که این چهره و تشخص اسلامی حکومت و دولت را بشکل واضح بیان مینماید. ماده اول این قانون میگوید:

"افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه میباشد."

ماده دوم میگوید:

"دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است."

ماده سوم چنین بیان مینماید:

"در افغانستان هیچ قانونی نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد."

در ماده ۳۵ آن شرط اول برای تشکیل و تأسیس احزاب سیاسی چنین است:

"مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد."

برای انکشاف و تدوین نصاب تعلیمی کشور ماده ۴۵ این قانون چنین شرایط را پیشکش مینماید:

"دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می نماید."

در پراگراف دوم ماده ۵۴ چنین میگوید:

"دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالخصوص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند."

در پراگراف اول ماده ۶۳ این قانون در متن سوگند رئیس جمهور چنین آمده است:

"به نام خداوند بزرگ جل جلاله سوگند یاد میکنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم."

در بخش سوگند نامه وزیران در ماده ۷۴ نیز همین متن آمده است.

در ماده ۱۱۹ این قانون در متن سوگند اعضای ستره محکمه چنین آمده است:

"به نام خداوند بزرگ سوگند یاد میکنم که حق و عدالت را بر طبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفه قضا را با کمال امانت، صداقت و بی طرفی اجرا نمایم."

در ماده ۱۴۹ این قانون چنین آمده است:

"اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی شود."

همه محاکم دولت اسلامی افغانستان در روشنی شریعت غراء محمدی صلی الله علیه و سلم فیصله میکنند، زیرا همه قوانین مدنی و جزائی افغانستان بر اصول شریعت و فقه تدوین شده است. همه مردم و ملت ما به شعائر دینی معتقد و از احکام دین پیروی و عبادات خویش را به گونه آشکار و بدون خوف انجام میدهند. و تاریخ این کشور شاهد اینست که این ملت برای دفاع از اسلام ملیونها قربانی تقدیم نموده است.

ما علمای افغانستان به این اتفاق داریم که افغانستان یک کشور اسلامی، دولت آن اسلامی، ملت آن مسلمان است و بر اساس نصوص الهی بر ضد آن هیچ نوع جهاد جواز ندارد. ما مطمئن هستیم که این ملت تا آخرین لحظات موجودیت آن بر کره زمین پابند دین مقدس اسلام خواهد بود.

بیشتر از ۹۹ فیصد مردم این کشور مسلمانان اند و جنگ در بین مسلمانان عمل غیر شرعی است. بر اساس نصوص قرآنی و نبوی صلی الله علیه و سلم، تحت نام دین سلاح برداشتن و فعالیت های مسلحانه بر ضد دولت اسلامی، تا آنکه از حاکمان آن کفر بواح صادر نشده باشد، عمل ناروا شمرده میشود، اطاعت از حکم حکام مسلمان امر قرآن

است و اگر کدام نزاع رخ میدهد باید راه حل آن در روشنی قرآن و سنت جستجو گردد چنانچه الله عز و جل میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (سورة النساء آیت ۵۹).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، خدای را فرمان برید و پیامبر و اولو الامر خود را [نیز] فرمان برید، پس اگر درباره چیزی [امری دینی] اختلاف کردید، آنرا به خدا - کتاب خدا - و پیامبر بازگردانید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید. که این بهتر است و سرانجام آن نیکوتر.

از نصوص فوق واضح میگردد که جنگ در کشور اسلامی مردود و بجای آن صلح یک ضرورت و آوردن صلح و سعی و تلاش برای آن وجیبه و مسئولیت دینی شمرده میشود که در قسمت آینده مورد بحث قرار میگیرد.

### اهمیت، ضرورت و وجوب صلح در افغانستان:

از آنجائیکه صلح حالت فطری دین مقدس اسلام است و هر کس را به امن، صلح و اصلاح ذات البین دعوت مینماید پس نصوص دینی، صلح را در هر سطح به بسیار قوت مطرح و پیروان خود را بسوی صلح دعوت مینماید. کلمه صلح که در عربی از ماده "صَلَحَ" گرفته شده است اهمیت آن در دین بحدی بوده که آنرا برای کوچکترین نهاد جامعه انسانی که خانواده میباشد، ضروری شمرده برای ایجاد صلح در بین زن و شوهر میکانیزی بس عجیبی را پیش کش می نماید. در آیت ۱۲۸ سوره نساء با بوجود آمدن منازعه در بین زن و شوهر چنین هدایت میدهد:

﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ... الآية﴾ (سورة النساء آیت ۱۲۸)،

ترجمه: و اگر زنی از شوهرش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد باکی [وگناهی] بر آنها نیست که میان خود به گونه ئی آشتی و سازش کنند و صلح بهتر است... الآية.

حتی اگر زن و شوهر در آوردن صلح میانشان موفق نگردند و در بین آنها خوف ایجاد نفاق و شقاق پیدا شود باز الله سبحانه و تعالی به تعیین حکم از هر دو خانواده (خانواده زن و شوهر) فیصله میکند:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا﴾ (سورة النساء آیت ۳۵).

ترجمه: و اگر از ناسازگاری میان آن دو - زن و شوهر - بیم دارید، داوری از خویشان مرد و داوری از خویشان زن تعیین کنید. اگر [داوران] خواهند اصلاح [کنند] خداوند بین آن دو سازگاری برقرار خواهد کرد، همانا خداوند دانای آگاه است.

ازین مسئله واضح میگردد که منازعه میان دوتن در نزد الله سبحانه و تعالی به این حد مهم است که برای از بین بردن آن میکانیزم مرتبی را هدایت میدهد که در مرحله اول آن، دو جانب منازعه را برای آوردن صلح مؤظف میسازد و زمانی که آنها قادر بر تثبیت آن نمی گردند باز بر دیگران حکم میکند تا فرض خویش را برای آوردن صلح درین نهاد کوچک اجتماعی ولی بسیار مهم اداء نمایند.

همین طور صلح در روشنی سنت الهی نسبت به همه امور دنیوی مهم شمرده شده که دعای ابراهیم علیه السلام برای شهر مکه درین مورد دلیل قوی و نمونه بارز میباشد زیرا نخست خواستار امن آن میشود و در قدم دوم برای رفاه اقتصادی مردم شهر دعا میکند. الله عز و جل به این مسئله درین آیت اشاره مینماید:



﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...الآية﴾ (سورة البقره آیت ۱۲۶).

ترجمه: و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا، این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و اهلس را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده اند از انواع روزیها بهره مند ساز.

سیرت و زندگی رسول الله صلی الله علیه و سلم از اتفاقات صلح و آوردن صلح مملو است که نمونه های بزرگ آن پایان دادن جنگ و منازعه چند صد ساله میان اقوام اوس و خزرج، میثاق مدینه، حتی صلح حدیبیه با مشرکین (که الله سبحانه و تعالی آنرا فتح مبین خوانده است)، میثاق ها با قبیله های مختلف یهود، میثاق با نصارای قبیله نجران میباشد، و همه اینها توضیح دهنده آنست که صلح در اسلام به کدام حد ضروری است. حتی الله سبحانه و تعالی به رسول صلی الله علیه و سلم در مورد مشرکین مکه میفرماید که اگر آنها به صلح میلان نشان دادند پس خودت هم مایل به صلح شو. درینمورد قرآن عظیم الشان چنین میفرماید:

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (سورة الانفال آية ۶۱)

ترجمه: و [ای محمد صلی الله علیه و سلم!] اگر دشمن بطرف صلح میلان کند، پس خودت هم برای آن [صلح] آماده شو و توکل بر الله کن . یقیناً که او ذات شنوا و دانا است.

اما زمانیکه این مسئله میان دو گروه مؤمنان است این ضرورت چند برابر میشود و اهمیت بالائی را دارد. زمانیکه میان مسلمانان در مورد تقسیم غنائم بدر اختلاف بمیان

آمد الله سبحانه و تعالى برای حل عاجل آن آیت اول سوره انفال را نازل کرد که اینگونه حکم میکند:

﴿... وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (سورة الانفال آیت ۱).

ترجمه: و با یکدیگر صلح نمائید و الله و پیامبر اورا فرمان برید اگر مؤمن هستید.

رسول الله صلى الله عليه و سلم زمانی که بین مردم مسجد قبا نزاع واقع میشود به صحابه رضی الله عنهم میفرماید که بیائید در میان آنها صلح بیاوریم که این حدیث را بخاری شریف چنین نقل مینماید:

[حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَوْسِيُّ وَإِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَرَوِيُّ قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي حَازِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَهْلَ قُبَاءٍ اقْتَتَلُوا حَتَّى تَرَامُوا بِالْحِجَارَةِ ، فَأَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِذَلِكَ فَقَالَ « اذْهَبُوا بِنَا نُصَلِّحْ بَيْنَهُمْ ».] (صحيح البخارى حديث ۲۶۹۳).

ترجمه: اهل قباء در میان خود نزاع کردند حتی که با سنگ ها یکدیگر را نشانه نمودند، و وقتی رسول الله صلى الله عليه وسلم ازان خبر شد، پس فرمودند: بیائید که برویم تا میان آنها صلح نمائیم [اصلاح بیاوریم].

الله سبحانه و تعالى نجوى [پس گوشى و پنهانى حرف زدن] را که یک عمل ناروا است اما برای اصلاح میان مردم آنرا جائز دانسته چنانچه قرآن کریم میفرماید:

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (سورة النساء آیت ۱۱۴)

ترجمه: در بسیاری از پس گوشی ها و صحبت پنهانی آنان خیری نیست مگر [برای] آن کس که به [دادن] صدقه یا به کاری نیک یا اصلاح میان مردم فرمان دهد، و هر که برای خوشنودی الله چنین کند، به زودی او را پاداشی بزرگ خواهیم داد.

قرآن کریم برای پایان دادن جنگ میان دو طائفه از مسلمانان، مسلمانان دیگر را مکلف ساخته و برای آنها چنین هدایت میدهد:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (سوره الحجرات آیت ۹)

ترجمه: و اگر دو گروه از مؤمنان با هم جنگ کنند، میانشان آشتی دهید. پس اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم و تجاوز کند، با آن که ستم و تجاوز میکند بجنگید تا به فرمان الله بازگردد. پس از بازگشت میانشان به عدل و انصاف آشتی دهید، و انصاف کنید، که الله انصاف کننده گان را دوست میدارد (۹) و دوباره به آن تاکید مینماید و میفرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (سوره الحجرات آیت ۱۰)

ترجمه: همانا مؤمنان برادران [یکدیگر] اند، پس میان دو برادر خود آشتی کنید، و از الله بترسید باشد که در خور رحمت گردید.

به همین ترتیب الله سبحانه و تعالی برای زندگی انسان اهمیت زیادی قائل شده که حتی برای حفاظت زندگی مؤمنان از قتال ممانعت کرده است چنانچه در آیت ذیل میفرماید:

﴿وَلَوْلَا رِجَالُ الْمُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ الْمُؤْمِنَاتِ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيْبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (سورة الفتح آیت ۲۵).

ترجمه: و اگر [در مکه] مردان و زنان مؤمنی نبودند که شما ایشان را نعی شناختید و [ممکن بود] ندانسته پایمالشان کنید و زیان [ننگ و عار] شان بر شما بماند [فرمان حمله بر مکه می دادیم] خداوند هر که را خواهد به بخشایش خویش درآرد. اگر [کافران و مؤمنان] از هم جدا می بودند همانا کافران شان را عذاب می کردیم به عذابی دردناکی.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد اصلاح منازعه میان مسلمانان به اندازه حساس بود که شخصاً خودش صلی الله علیه و سلم برای اصلاح و حل آنها میرفت و آنرا بر هرکاری دیگری اولویت میداد از همین جهت اصلاح ذات البین برای او بسیار مهم و ضروری بود و اینگونه فرموده است:

[حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ، حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ، عَنْ سَالِمِ، عَنْ أُمِّ الدَّرْدَاءِ، عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟» قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ الْحَالِقَةُ»] (سنن أبي داود حديث ۴۹۱۹).

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید آیا از چنین چیزی شمارا آگاه نسازم که درجه آن بالاتر از روزه، نماز و صدقه است؟ گفتند چرانه یا رسول الله، گفت: اصلاح ذات البین، زیرا فساد ذات البین که بُرنده است.

در حدیث دیگری که طبرانی در معجم الکبیر نقل کرده است چنین آمده است:

[حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ غَنَامٍ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، عَنْ مُوسَى بْنِ عُبَيْدَةَ، عَنْ عَبَادَةَ بْنِ عَمِيرِ بْنِ عَبَادَةَ بْنِ عَوْفٍ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو أَيُّوبَ: قَالَ لِي

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : يَا أَبَا أَيُّوبَ ، أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى صَدَقَةٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ ؟  
تُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَبَاغَضُوا ، وَتَفَاسَدُوا . [ (المعجم الكبير للطبراني حديث ٣٨٢٥) .

ترجمه : رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: ای ابو ایوب! آیا صدقه را برایت نشان  
ندهم که الله و رسول وی آنها را دوست دارد؟ میان مردم اصلاح بیاورید که به غضب  
رفتند و فساد کردند.

تفسیر قرطبی حدیثی مشابه به حدیث فوق را آورده و بعد از آن این قول امام اوزاعی  
رحمه الله را نقل میکند:

"ما خطوة أحب إلى الله عز وجل من خطوة في إصلاح ذات البين، ومن أصلح بين اثنين  
كتب الله له براءة من النار"

ترجمه : هیچ قدمی در نزد الله به این اندازه دوست داشتنی نیست مانند اصلاح ذات  
البین، کسی که میان دو تن صلح نمود الله جل جلاله برای او نجات از آتش را مینویسد.

از آیات و احادیث و اقوال علماء امت چنین معلوم میشود که صلح در قدم اول بالای دو  
جانب منازعه واجب میگردد اگر آنها قادر به آوردن صلح نشوند در مرحله دوم آوردن  
صلح میان آنها و اصلاح ذات البین شان بر مسلمانان دیگر واجب میگردد.

بناءً ما علماء از طرفین درگیر در منازعه افغانستان میطلبیم تا جنگ - آن جنگی که  
نتیجه آن جز تباهی و کشته شدن انسانان بیگناه چیزی دیگری نیست - در مقابل برادران  
مسلمان را ترک نموده و راه صلح را پیش گیرند و برای صلح با برادران مسلمان خود و  
جمهوری اسلامی افغانستان به مذاکره بنشینند. ما به این باوریم که آغاز مذاکرات  
مستقیم برای خواسته ها و مشکلات هر دو طرف که عامل دوام جنگ شده راه حل‌های  
مناسبی بدست خواهد آمد.

اما اگر مخالفین باز هم به این جنگ ناجائز ادامه میدهند باز ما علماء از حکومت های کشورهای اسلامی بالاخص علماء امت اسلامی میخواهیم تا برای ادای مکلفیت و مسئولیت شرعی خویش برای صلح میان برادران مسلمان شان قدم برداشته و وظیفه خویش را بسر رسانند.

ما علماء از حکومت افغانستان که بعد از اجماع ملی و سلسله مشوره ها با نهادهای دینی، اجتماعی و مدنی ملی و بین المللی طرحی بی قید و شرط صلح را در ماه حوت سال ۱۳۹۶ هجری شمسی مطابق به فبروری سال ۲۰۱۸ میلادی به طالبان پیش کرد، تشکر و حمایت مینمائیم. همچنان این طرح توضیح کننده نیت و عمل صلح طلبانه حکومت میباشد.

ما علماء بطور جدی از طالبان میخواهیم تا به طرح صلح حکومت افغانستان جواب مثبت داده تا ازین بیش از ریختن خون مسلمانان جلوگیری شود. هر دو جانب باید در قدم نخست برای مذاکرات آماده شوند و بعداً در روشنی اصول دینی به یک طرحه همه جانبه صلح توافق نمایند تا بسبب آن این ملت خسته از جنگ از مزایای صلح مستفید گردیده و صاحب زندگی مرفه گردد. ما علماء درین عرصه به هر نوع قربانی و میانجیگری آماده هستیم و ما به این عقیده هستیم که در موجودیت صلح زمینه بهتر برای تطبیق شعایر اسلامی مساعد میگردد و از هر نوع فساد و مداخلات بیرونی جلوگیری بعمل می آید. همین صلح است که برای تقسیم اوقات خروج نیروهای خارجی راه را هموار نموده و ضرورت موجودیت نیروهای خارجی را رفع مینماید. و درین مورد ملت و حکومت اتفاق دارند.

**جنگ جاری در افغانستان ناجائز و هیچ گونه صبغه شرعی ندارد:**

جنگ جاری با انواع مختلف آن از نظر شریعت و نصوص دینی ناروا است و این جز ریختن خون مسلمان چیزی دیگری شمرده نمیشود. و نصوص ذیل شاهد این حقیقت میباشد:

قرآن عظیم الشان قتل مؤمن را گناه بزرگ و نابخشودنی خوانده و اینطور میفرماید:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ (سورة النساء آیت ۹۳).

ترجمه: کسی که مؤمنی را عمداً بقتل برساند، جزای او جهنم است که همیشه می ماند، و غضب الله و لعنت او بر آن شخص است، و الله برای او عذابی بزرگی را آماده کرده است.

این آن وعید شدید است که الله تعالی در جزای قتل مؤمن داده است و این بطور واضح بمعنای نریختن خون مؤمن است، اما وقتی که مسئله قتل مؤمن مطرح میشود آن قتل خطا است چنانچه آیت دیگری میفرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (سورة النساء آیت ۹۲).

ترجمه: برای مؤمن جازز نیست تا مؤمن دیگر را به قتل برساند مگر اینکه به خطا باشد، و کسی که مؤمن را بخطا به قتل برساند پس بر [قاتل] است که غلامی را آزاد نماید و به خانواده مقتول دیت پردازد مگر اینکه [ورثه مقتول] عفو نماید، و اگر

[مقتول] مؤمنی از گروه دشمن شما بود - وارثان او کافر حربی بودند - آزاد کردن غلام مؤمنی [بس] است. و اگر از گروهی بود که میان شما و آنان پیمانی هست، باید به خانواده او دیت پرداخت کند و غلام مؤمنی را آزاد نماید هر کس که [برده ئی] نیافت، باید که دو ماه پیاپی روزه بگیرد [به عنوان] توبه ئی از جانب خداوند، و الله دانای فرزانه است.

مسئله مهمتر این است که حتی قتل کافر حربی ایکه در جریان جنگ تحت سلطه ئی شمشیر مسلمان بیاید و صرف کلمه توحید بزبان راند قتل او نیز گناه بزرگ شمرده میشود و رسول الله صلی الله علیه و سلم صحابی دوست داشتنی خود اسامه بن زید رضی الله تعالی عنهما را به این عمل توبیخ نموده چنانچه در حدیث زیر میآید:

[حدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَعِثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ -المعنى- قَالَا: حَدَّثَنَا يَعْلَى بْنُ عُبَيْدٍ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ أَبِي ظَبْيَانَ حَدَّثَنَا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ، قَالَ: بَعَثَنَا رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- سَرِيَّةً إِلَى الْحُرَقَاتِ، فَنَذِرُوا بِنَا، فَهَرَبُوا، فَأَدْرَكْنَا رَجُلًا، فَلَمَّا غَشِينَاهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَضَرَبْنَاهُ، حَتَّى قَتَلْنَاهُ، فَذَكَرْتُهُ لِلنَّبِيِّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-، فَقَالَ: "مَنْ لَكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟"، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّمَا قَالَهَا مَخَافَةَ السَّلَاحِ، قَالَ: "أَفَلَا شَقَقْتَ عَنْ قَلْبِهِ حَتَّى تَعْلَمَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَالَهَا أَمْ لَا؟ مَنْ لَكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟" فَمَا زَالَ يَقُولُهَا حَتَّى وَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أُسَلِّمْ إِلَّا يَوْمئِذٍ.] (سنن ابی داؤد حدیث ۲۶۴۳).

ترجمه: اسامه بن زید رضی الله عنهما میگوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم ما یک گروه کوچک را به سربیه الحرقات فرستاد، به محض رسیدن به آنجا مردم ترسیدند و فرار نمودند، ما یک تن را اسیر ساختیم او کلمه توحید "لا اله الا الله را خواند ولی ما او را لت و کوب کردیم تا اینک کشته شد، وقتی قصه را به رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتیم او برایم گفت: چه کسی در روز قیامت جواب لا اله الا الله را خواهد گفت؟ او [اسامه] گفت که من برایش گفتم که: یا رسول الله آن شخص از ترس و خوف سلاح کلمه خواند؛ رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: آیا تو قلب او را پاره نموده و از قلب



او خبر داشتی که او به کدام نیت کلمه خواند، در روز قیامت چه کسی جواب لا اله الا الله را خواهد گفت؟ پامبر خدا این کلمه را بار بار تکرار مینمود، [با خود گفتم] دوست داشتم تا این موقع مسلمان نمی شدم [تا که این گناه بر من نمی بود].

تا حدی که قرآن کریم هدایت میدهد برای آن کسی که بر شما سلام میدهد و یا به شما تسلیم و انقیاد خود را آشکار میسازد نا مسلمان نگوئید و به مسلمانان حکم میکند که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَعَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ (سورة النساء آیت ۹۴).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، چون در راه الله [برای جنگ] بیرون روید، نیک بررسی کنید و به آن کسی که به شما سلام - اظهار اسلام - کند نگوئید: تو مؤمن نیستی! در حالیکه [با این دستاویز] متاع زندگی دنیا را میجوئید [و اگر این را میخواهید] پس نزد الله غنمیتهای بسیاری است، شما [نیز] پیش ازین چنین بودید و خداوند بر شما [به راه نمودن اسلام] منت نهاد، پس نیک بنگرید و واری کنید، که الله به آنچه میکنید آگاه است.

در تفسیر این آیه مبارکه ابن کثیر اقوال ذیل را نقل می نماید:

[قَالَ الْإِمَامُ أَحْمَدُ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَبِي بُكَيْرٍ، وَحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَخَلْفُ بْنُ الْوَلِيدِ، قَالُوا: حَدَّثَنَا إِسْرَائِيلُ، عَنْ سِمَاكٍ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: مَرَّ رَجُلٌ مِنْ بَنِي سُلَيْمٍ بِنَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَسُوقُ غَنَمًا لَهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَقَالُوا: مَا سَلَّمَ عَلَيْنَا إِلَّا لِيَتَعَوَّذَ مِنَّا. فَعَمَدُوا إِلَيْهِ فَقَتَلُوهُ، وَأَتَوْا بِغَنَمِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَزَلَّتْ

هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ  
السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا﴾ إِلَىٰ آخِرِهَا.

وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي التَّفْسِيرِ، عَنْ عَبْدِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ أَبِي رِزْمَةَ، عَنْ  
إِسْرَائِيلَ، بِهِ. وَقَالَ: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ، وَفِي الْبَابِ عَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ. وَرَوَاهُ الْحَاكِمُ مِنْ  
طَرِيقِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، عَنْ إِسْرَائِيلَ، بِهِ. ثُمَّ قَالَ: صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُحَرِّجَاهُ.

وَرَوَاهُ ابْنُ جَرِيرٍ مِنْ حَدِيثِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى وَعَبْدِ الرَّحِيمِ بْنِ سُلَيْمَانَ، كِلَاهُمَا عَنْ  
إِسْرَائِيلَ، بِهِ وَقَالَ فِي بَعْضِ كُتُبِهِ غَيْرِ التَّفْسِيرِ - وَقَدْ رَوَاهُ مِنْ طَرِيقِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ فَقَطُّ:-  
وَهَذَا خَبْرٌ عِنْدَنَا [تفسير ابن كثير د نساء د سورې د ۹۴ آیت په تفسیر کې].

ترجمه: ابن عباس رضی الله عنهما میگوید: شخصی از قبیلہ بنی سلیم کہ گوسفندان با  
او بود و به بازار میرفت بر گروهی کوچکی از اصحاب پیامبر گذشت و بر آنها سلام داد،  
پس آنها گفتند کہ سلام نداد بر ما مگر برای اینکه در امن باشد از ما، قصد او کردند و  
اورا کشتند، و غنیمت اورا نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آوردند پس این آیت [آیت  
فوق] نازل شد.

خطبه رسول الله صلی الله علیه و سلم در حجة الوداع نمونه بزرگی برین است کہ خون،  
مال و آبروی مسلمان حرام است:

[حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَافِظُ، أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ قُتَيْبَةَ الْعَسْقَلَانِيُّ، ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ  
مِسْكِينِ الْيَمَامِيُّ، ثَنَا عَبَّادُ بْنُ عُمَرَ، ثَنَا عِكْرِمَةُ بْنُ عَمَّارٍ، ثَنَا مَخْشِيُّ بْنُ حُجْرٍ بْنِ عَدِيِّ، عَنْ  
أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَبَهُمْ، فَقَالَ: «أَيُّ يَوْمٍ هَذَا؟» قَالُوا: يَوْمٌ حَرَامٌ، قَالَ:  
«فَأَيُّ بَلَدٍ هَذَا؟» قَالُوا: الْبَلَدُ الْحَرَامُ، قَالَ: «فَأَيُّ شَهْرٍ؟» قَالُوا: شَهْرٌ حَرَامٌ، قَالَ: «فَإِنَّ  
دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا كَحُرْمَةِ شَهْرِكُمْ هَذَا كَحُرْمَةِ  
بَلَدِكُمْ هَذَا لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ، لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كَقَارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ»  
(المستدرک علی الصحیحین للحاکم حدیث ۵۹۸۲).

در روز حجة الوداع رسول الله صلى الله عليه و سلم به مردم خطبه گفت و گفت این کدام روز است؟ گفتند: روز حرام؛ گفت: پس این کدام شهر است؟ گفتند: شهر حرام؛ گفت: این کدام ماه است؟ گفتند: ماه حرام؛ پس گفت: پس به تحقیق که خون های شما، اموال شما و آبروی شما بر شما حرام است مانند حرمت این روز شما، و حرمت ماه شما و حرمت شهر شما، باید شاهد [اینرا] به غائب برساند، بعد از من به کفر برنگردید که بعضی تان گردن های بعضی دیگر را بزنید.

با توجه به نصوص و دلایل فوق ما علماء افغانستان این جنگ را ناروا و خلاف شریعت میدانیم و آن جز ریختن خون مسلمان چیزی دیگری نیست، بناءً به توقف هر چه سریعتر جنگ فتوا میدهیم.

## انتحار، انفجار کشتن مردم، نفاق، هراس افگنی، انواع مختلف فساد، قطاع الطریق، اختطاف و هر نوع خشونت:

انتحار و انفجار در اسلام از گناهان کبیره محسوب میشود، بلکه مخالفت صریح حکم الله جل جلاله میباشد:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ (سورة النساء آیت ۲۹).

ترجمه: شما نفسهای خود را نکشید، یقیناً که الله متعال بر شما مهربان است.

اما اگر کسی چنین فعلی را انجام داد پس وعید چنین است:

﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ (سورة النساء آیت ۳۰).

ترجمه: و هر که از روی تجاوز و ستم چنین کند، به زودی وی را در آتشی در آوریم، و این کار بر خدا آسان است.

همینگونه رسول الله ﷺ میفرماید:

[.. من قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدِيدَةٍ فَحَدِيدَتُهُ فِي يَدِهِ يَجَأُ بِهَا فِي بَطْنِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا] . (رواه البخاري حديث ۵۴۴۲ و مسلم حديث ۱۰۹).

ترجمه: هر که نفس خود را کشت به آهنی پس در حالیکه آهنش در دستش است و شکم خود را با آن پاره میکند و برای دائم در جهنم انداخته میشود.

در مورد انتحار و حملات خودکش، علمای دینی جهان اسلام فتوای خود را صادر و این عمل را بر اساس دلایل شرعی و نصوص دینی حرام شمرده اند، ما هم به تأیید این فتواها با آنها ملحق شده و به قاطعیت میگوئیم که حملات انتحاری در اسلام حرام است، زیرا در نتیجه این حملات چندین گناه کبیره یکجا با هم انجام میشود:

اول: کشتن نفس، که در اسلام حرام است؛

دوم: زندگی هبه الله جل جلاله به انسان است، پس هیچ انسانی حق و صلاحیت گرفتن زندگی انسانی دیگری را ندارد حتی اگر زندگی خودش هم باشد؛ زیرا انسان مالک زندگی و نفس خود نیست بلکه الله قدیر مالک آنست.

سوم: با انجام حملات انتحاری، انسانان بی گناه کشته میشوند، که در اسلام گناه عظیم میباشد.

چهارم: از انسان که اشرف المخلوقات میباشد، منحیث یک وسیله و حربه استفاده کردن، یک اهانت بزرگ به انسانیت شمرده میشود.

پنجم: این تنها حکم خودکشی است و اما اگر انتحار به منظور قتل مسلمانان دیگر انجام میشود، گناه آن دو برابر میشود، یکی خودکشی و دیگری قتل مسلمانان بی گناه که در این مورد آیات قرآنکریم فوقاً تذکر یافت.

در اسلام در مورد قطاع الطریق (رهزنی) اختطاف، ترور و هراس افگنی و انواع دیگر فساد و عید شدید آمده و انجام دهنده گان چنین اعمال محاربین با الله جل جلاله و رسول الله صلی الله علیه وسلم شمرده شده اند که الله جل جلاله در این مورد میفرماید:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (سورة المائدة آیت ۳۳).

ترجمه: جزای کسانی که با خدا و پیامبرش جنگ می کنند و در زمین به فساد می کوشند، آن است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست ها و پاهایشان یکی از چپ و یکی از راست بریده شود یا از سرزمین خود تبعید شوند. این ها رسوای شان در این جهان است و در آخرت نیز به عذابی بزرگ گرفتار آیند.

همچنان برای ما علماء هر نوع فساد اخلاقی، مالی و سیاسی، ابتذال، فحشاء، بی تفاوتی و اهانت در مقابل اصول و معتقدات اسلامی در کشور قابل تحمل و پذیرفتنی نبوده و از حکومت و مردم افغانستان میخواهیم تا در این مورد به مشوره ها و پیشنهادات علماء گوش فرا دهند. درین رابطه به مجازات مرتکبین و جلوگیری این اعمال در آینده، فتوی میدهیم.

از نظر دین مقدس اسلام استفاده، تولید، تورید، معامله و هر نوع قاچاق مشروبات الکولی، مواد مخدر و سائر دخانیات اعمال ناروا میباشند. باوجود اینکه چنین اعمال ناشایسته را علماء در مصوبات، فتوا ها و قطعنامه های قبلی خویش شدیداً تقبیح

نموده اند و همواره بالای ادارات و مقامات مسئول جهت جلوگیری چنین اعمال تأکید ورزیده اند، اکنون ما علماء یکبار دیگر بالای نهادهای فوق الذکر صدا میکنیم تا برای جلوگیری این اعمال هر کدام به نوبه خویش به اساس مسئولیت و مکلفیت خویش اقدامات عملی را اتخاذ نمایند تا جامعه ما از چنین امراض مهلک نجات یابند.

در اسلام تفرقه، نفاق افگنی، تعصب و تبعیض و همچنان ایجاد فاصله میان مسلمین و نفرت انگیزی جواز نداشته و مخالفت با نص صریح قرآن کریم میباشد که میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (سورة الحجرات آیت ۱۳).

ترجمه: ای مردم، ما شما را از یک مرد و یک زن بیافریدیم و شما را جماعتها و، قبیله ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید هر آینه گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست خدا دانا و کاردان است.

بالعکس الله جل جلاله، مسلمانان را به وحدت و برادری می طلبد، الله سبحانه و تعالی میفرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (سورة آل عمران آیت ۱۰۳).

ترجمه: و همگی به رسن خدا چنگ زده و متفرق نشوید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را

نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید.

بیشترین اوقات برای انجام این نوع اعمال مخالف اسلام و انسانیت از شبکه های اجتماعی و رسانه ها استفاده به عمل می آید که این شخصیت حکمی رسانه ها را تحت سوال قرار میدهد که گویا رسانه های ما در خدمت دشمنان کشور بوده و با کشور خویش دشمنی می نمایند.

ما علماء بالای مردم، حکومت و حرکت های سیاسی و مدنی و همچنان بالای ادارات مسئول شبکه های اجتماعی صدا میکنیم که برای بیرون رفت از دشواری های فعلی وحدت و یکپارچگی خویش را حفظ نموده و شکار دسایس اجنبیان نشوند و با استفاده سو از آزادی بیان از ایجاد نفرت و نفاق جداً خود داری نمایند.

ما علماء در این مورد بالای حکومت و ملت مسلمان ما، حکومت های کشور های اسلامی، علماء و نهاد های دینی صدا میکنیم تا برای آوردن صلح و ثبات در افغانستان وجیبه و وظیفه دینی خویش را ادا نموده و به این ناهنجاری ها پایان دهند.

ما همچنان در این مورد به تلاش های سائر نهاد های دینی ارزش قایل شده از آنان با احترام کامل ستایش نموده و آنرا تائید مینمائیم. به طور مثال با احترام کامل از دارالعلوم دیوبند، الازهر شریف، رابطه العالم الاسلامی، مجمع الفقه الاسلامی، اتحاد علماء المسلمین و تمام آنعده مراکز و ادارات دینی که در این خصوص فتوا ها، اعلامیه ها و قطعنامه ها صادر نموده اند یاد آوری و قدردانی مینمائیم و از ادارات و نهادهای فوق الذکر تقاضا مینمائیم تا از فتوی هذا برای پایان دادن جنگ در افغانستان حمایت همه جانبه نموده و در نجات ازین مصیبت با ما همکاری نمایند. همچنین ما از فتوای متفقه اخیر علمای پاکستان (پیغام پاکستان) که هر نوع انتحار را حرام دانسته و مبارزه

مسلحانه علیه حکومت های اسلامی را جهاد نه بلکه بغاوت شمرده است، تائید، ستایش و حمایت مینمائیم.

## دراخیر درروشنی نصوص قرآنی و احادیث فوق، ما علما متفقاً فتوای ذیل را صادر مینمائیم:

1. مبارزه مسلحانه و انجام سائر اعمال تحت نام جهاد در مقابل جمهوری اسلامی افغانستان که ۹۹ فیصد مردم آن مسلمان است و قانون اساسی آن نیز در سطح منطقه از همه بیشتر اسلامی میباشد، هیچگونه جواز شرعی ندارد. بر اساس نصوص دینی حکم جهاد تنها صلاحیت دولت اسلام (حاکم مسلمان) است.
2. با در نظر داشت اینکه جنگ در افغانستان روز به روز طولانی شده می رود و در جنگ فعلی به صورت روزانه ده ها تن از طرفین و مردم عام کشته میشوند و با تداوم جنگ هیچگونه فایده مرتب نشده، بلکه منفعت آنرا دشمنان بر میدارند، فلهمذا طرفین جنگ، حکومت و طالبان باید به مذاکرات صلح حاضر شده و به این مصیبت نقطه پایان بگذارند.
3. در اسلام انتحار و انفجار هیچ نوع اساس شرعی ندارد، پس به همین دلیل تمام حملات انتحاری، ترور قطاع الطریقی و هراس افگنی به صورت قطعی حرام میباشد، ارتکاب، تمویل و مساعدت آنها ناروا و غیر شرعی میباشد.
4. هر آن کسی که به صلح گردن نمی نهد، به نزد الله جل جلاله و رسول الله صلی الله علیه وسلم مسئول بوده و به صورت آشکارا از اوامر الله تعالی نافرمانی مینمایند.



5. جامعه افغانی یک جامعه اسلامی است، ترویج هر نوع مفسد دینی و اخلاقی و تمام اعمالی که در تضاد با اساسات دینی باشد و باعث انحراف جوانان میگردد، مردود بوده و باید از آن جلوگیری بعمل آید.
6. ایجاد تفرقه، تعصب و تبعیض در میان مسلمانان به اساس قوم، زبان و مذهب و انجام اعمال مشابه آن که با اساسات دین مبین اسلام در مغایرت قرار داشته و انجام دهنده گان چنین اعمال سرپیچی کننده گان از احکام اسلامی شمرده میشوند، و ارتکاب این نوع اعمال و یا وسیله شدن برای آن ممنوع بوده و قابل مجازات پنداشته میشود.
7. ما مداخله آنعده افراد، نهادها، گروه ها و کشورهائی را که باعث تداوم جنگ در افغانستان گردیده و سبب قتل و نفاق میان افغانها میشود قطعاً مردود دانسته و محکوم مینمائیم.

### نکات پایانی:

- ما علماء بعد از تحلیل و ارزیابی عمیق وضعیت جاری به این باور هستیم که اجماع ملی، منطقی و بین المللی برای صلح ایجاد گردیده و پیشنهاد مخلصانه و انعطاف حکومت افغانستان دال بر این موضوع است، فلذا بالای طالبان صدا میکنیم که مذاکرات مستقیم یگانه طریقه ایست که طی آن به تمام مطالبات و مشکلات طرفین راه حل هائی که با ارزشهای اسلامی و ملی ما مطابقت داشته، دریافت خواهد شد.
- ما علمای افغانستان مطلقاً به این عقیده هستیم که اسلام دین صلح، تحمل و اخوت است و افراطیت و خشونت را در کشورهای اسلامی و تمام جهان تقبیح مینمائیم.

- خواست ما از نهاد ها، علماء و مجتهدین ملی، منطقوی و بین المللی اینست که از فتوای هذا حمایت نموده و به این ترتیب برای جلوگیری از خونریزی بیشتر در افغانستان مسئولیت خویش را اداء نمایند.
- ما تمام علماء مراکز اسلامی، مدارس و نهادهای دینی فتوای خویش را برای رضای الله عزوجل، ادای مسئولیت دینی و به هدف مساعد ساختن شرایط مرفه و صلح آمیز در افغانستان اعلان نموده و از الله جل جلاله در این راه توفیق و همکاری می طلبیم تا ما را در راستای رسیدن به صلح و رفاه یاری رسانند.

والله ولی التوفیق

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**